

# سهم هنر در گفت و گوی تمدن‌ها



مصاحبه شنونده: دکتر سید احمد مسجد جامعی  
مصاحبه‌ی خبرنگار سرویس ادیان و تمدن‌های  
خبرگزاری دانشجویان ایران (به مناسبت «روز گفت  
و گوی تمدن‌ها» با وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی



سهم هنر را در مقوله‌ی گفت و گوی تمدن‌ها چه گونه ارزیابی می‌کنید؟  
مقدمه‌ی تحقق گفت و گو درک درست است، درک درست یک دیگر. این نیاز به تعیین صحت و سقم مطالب و موضوعات ندارد. این درک هم حسی است و هم عقلی، هر چند درک حسی فراگیرتر است و درک عقلی مخاطب محدودتری دارد. هنر در حوزه‌ی درک حسی به ویژه نقش موثری دارد و می‌تواند ایجاد حس هم‌دلی و حس‌کینه‌کند. حس‌کینه‌از طریق هنر هم ممکن است و هم تأثیرگذار، مانند فیلم‌هایی که با محور نژادپرستی به توهمین نسبت به دیگر فرهنگ‌ها می‌پردازند و نمونه‌اش همین فیلم‌های ضد ایرانی اخیر است. البته هنر حسب هم‌دلی و محبت را هم به دنبال دارد، مانند موسیقی‌های اخیر غربی که بعضاً متأثر از اشعار مولانا است.

فرهنگ ایرانی به لحاظ تاریخی تا چه حد استعداد و تمایل به گفت و گو دارد؟  
ایران چهار راه تمدنی است که در جریان گفت و گوی تمدن‌ها به نحوی پیوسته قرار داشته و از ظرفیت‌های جدید نیز بهره‌برده است. در جریان گفت و گوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها استفاده از تجربه‌ی کهن ضروری است، اما شناخت جریان‌های مدرن نیز لازم است. این شناخت نیاز به نگاه جست و جوگر و نقادانه دارد که در این صورت به تلفیق تجربه‌ی کهن با نگاه‌های نو منجر خواهد شد و ظرفیت هر دو حوزه را افزایش می‌دهد. نمونه‌های آن نیز از قدیم تا کنون در تاریخ ما بوده است.

تخت جمشید هنری ترکیبی است هر چند روح آن ایرانی است، اما اجزای آن از حوزه‌های مختلف تمدنی اخذ شده است. نمادهایی از هنر هند، مصر، یونان و آشور در این مجموعه مشاهده می‌شود که در قالب، قامت و روح ایرانی در کنار یک‌دیگر قرار گرفته است. این موضوع در ادبیات ایران هم وارد شده است. تعبیر صورت‌گر چین توام با تحسین است. بنا به روایتی فرهاد سنگ تراش شاهزاده‌های چینی است. البته این تأثیر دو سویه بوده، تأثیر مانی نقاش معروف ایرانی بر هنر چینی نیز آشکار است. نقش عبدالرزاق سمرقندی در دوره‌ی تیموری، انتقال هنر چینی به حوزه‌ی ایران است. در دوره‌ی جدید هم کمال‌الملک را داریم، در حوزه‌ی استفاده از هنر جدید اروپایی و بالاخره سینما شاهد امروزی ما است.

بهترین و کم‌مانع‌ترین بخش هنر که می‌توان از ناحیه‌ی آن سیمایی چنین از فرهنگ و هنر و تمدن ایرانی را به جهان عرضه کرد کدام بخش است؟

چند سال قبل نمایش‌گاه هفت هزار سال هنر ایران را در کشورهای اروپایی مدتی طولانی برگزار کردیم، که

استقبال بی سابقه‌ای از این حرکت به عمل آمد و علاوه بر هزاران بازدیدکننده، ده‌ها مقاله و گزارش پیرامون این خاستگاه و جای‌گاه هنری و تمدنی نوشته شد. روزهایی که به نام بزرگان فرهنگ و ادب در تقویم ایرانی نامیده شد. طنینی جهانی یافت، به نحوی که امروز هم زمان با ایران، روزهای بزرگداشت فردوسی، رودکی، حافظ، خیام، سعدی، عطار، مولوی و... در بسیاری از نقاط جهان برگزار می‌شود. هر کدام از این حوزه‌ها و روش‌ها تاثیر خود را دارد.

سمفونی خسوف نخستین سمفونی آیینی بود که در ایران ساخته شد و به موضوع کربلای حضرت سیدالشهداء (ع) می‌پرداخت. طنین این حرکت در خارج از ایران بسیار فراگیر شد. همه‌ی انواع هنر در این زمینه تاثیرگذار است، اما حوزه‌ی سینما، فیلم و موسیقی که قابلیت ارتباط با گروه‌های بیشتری از مردم را دارند، تاثیرگذاری فراگیرتری دارند. هر چند از نظر امکان خلافت و تولید در این بخش‌ها ما با موانع بیشتری در داخل روبه‌رو هستیم و میزان دخالت‌های بازدارنده در این عرصه‌ها بیشتر از هنرهای تجسمی، شعر و یا حوزه‌ی صنایع دستی و هنرهای میراثی و سنتی است. سخنوری، شعر و خط هم جزء هنرهای هستند که کمتر با موانع داخلی روبه‌رو هستند، اما به علت تکیه‌ی زیادشان به زبان برای برقراری ارتباط مفاهیم آمیز با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر در مرحله‌ی بعد قرار می‌گیرند.

با توجه به فهم موثر به جای مانده از ایران در حوزه‌ی فرهنگ و تمدن چرا هنرمندان معاصر در این مسیر توفیق‌های بیشتری کسب نکرده‌اند؟

این بخشی از واقعیت است. جامعه‌ی هنری ندای گفت و گوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را شنید، اما فرصت لازم و کافی برای عرضه نیافت. کار هنری زمان بر است. از طرف دیگر این مقوله از ابتدا شکل فلسفی به خود گرفت و ظرفیت‌های دیگر را آشکار نکرد. سهم فرهنگ و هنر در این چارچوب قابل بررسی است. در عین حال به نظرم این حوزه نسبت به سایر حوزه‌ها از قبیل مراکز پژوهشی و دانشگاهی داخلی نقش چشم‌گیری را به عهده گرفته است. پرداختن به ایده‌ی گفت و گو چندان دغدغه‌ی فکری محافل علمی و دانشگاهی نبوده و نیست. در حالی که در حوزه‌ی هنر شاهد تاثیرگذاری بیشتری بوده و هستیم.

تبار گفت و گوی ادیان و مذاهب را در عصر حاضر چه گونه ارزیابی می‌کنید؟

می‌دانید نیاز گفت و گوی بین اسلام و مسیحیت غربی و غرب و فرقه‌های مختلف اسلامی، در دوره‌های معاصر به مرحوم آیت‌الله بروجردی می‌رسد. ایشان برای نخستین بار نماینده‌گانی به کشورهای مختلف دنیا اعزام کردند و تاسیساتی در هامبورگ و قاهره ایجاد کردند. نماینده‌ی ایشان در آمریکا و کانادا مرحوم حجت‌الاسلام دکتر مهدی حائری یزدی فرزند مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. در آلمان مرحوم آیت‌الله دکتر بهشتی و حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی این مباحث را پی گرفتند. در قاهره نماینده‌ی ایشان حجت‌الاسلام حاج شیخ محمد تقی قمی به بحث گفت و گوی بین فرق اسلامی می‌پرداخت که منجر به فتوای مهم مفتی الازهر در به رسمیت شناختن مذهب شیعه شد. این موضوع به خوبی بیان‌گر آن است که اگر اصل ایده درست و روشن تعریف شود و کسانی که پشتوانه‌ی نظری و عملی مباحث را دارند به درستی انتخاب شوند در شرایط دشوار هم می‌توان کار را پیش برد.

در معرفی گفت و گوی تمدن‌ها سهم سیاست‌مداران را چه طور ارزیابی می‌کنید؟

سیاست‌مداران در حوزه‌ی تفکر و فضای عمومی و فکری نقش درجه‌ی اول ندارند و حرف اول را نمی‌زنند. شما امروزه بهتر از هر زمان دیگری این موضوع را حس می‌کنید. چنین فضایی بیشتر محصول تلاش نخبه‌گان فکری و فرهنگی، هنری و رسانه‌ای است. سیاست‌مداران عملاً در فضایی که از ناحیه‌ی این گروه‌ها ایجاد می‌شود، اقدام می‌کنند. جتا بر خورد‌های تهدیدآمیز چیزی از جای‌گاه اندیشه کم نمی‌کند؛ لذا اگر نقضی در تحقق ایده‌ها وجود دارد باید به این موضوع بیشتر فکر کرد که چرا این ایده در حوزه‌ی ارتباطات سیاسی خلاصه شد و چرا نخبه‌گان فکری، فرهنگی و هنری ما قادر و یا مایل به ایجاد این فضا نیستند. به نظر می‌رسد برای گفت و گو و تاثیرگذاری بیشتر آن در جهان به واسطه‌ی گرفتاری‌هایی که از ناحیه‌ی حوزه‌های ترور، افراطی‌گری و خشونت در جهان پیرامونی و منطقه به ویژه کشورهای اسلامی وجود دارد، بیش از این می‌توانیم از ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی ایران و اسلام بهره بگیریم و محور اصلی نگاه خود را در این دو حوزه متمرکز کنیم. این امر باعث استفاده‌ی بیشتر و بهتر از ظرفیت‌های تمدنی و تاریخی این کشور کهن سال و ره یافت‌ها از این آخرین آیین آسمانی است ■

